

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کد رهگیری ثبت پروپوزال: ۱۰۵۲۳۸۵

کد رهگیری ثبت پایان نامه:

کلیه امتیازهای این پایان‌نامه به دانشگاه بوعلی سینا تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب این پایان‌نامه در مجلات، کنفرانس‌ها و یا سخنرانی‌ها، باید نام دانشگاه بوعلی سینا یا استاد راهنمای پایان‌نامه و نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود. در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت. درج آدرس‌های ذیل در کلیه مقالات خارجی و داخلی مستخرج از تمام یا بخشی از مطالب این پایان‌نامه در مجلات، کنفرانس‌ها و یا سخنرانی‌ها الزامی می‌باشد.

....., Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

مقالات خارجی

..... گروه ..... دانشکده ..... دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

مقالات داخلی



دانشگاه گیلان

دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی  
گروه آموزشی اقتصاد

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم اقتصادی

عنوان :

بررسی آثار کسری بودجه بر پس انداز ملی ایران

استاد راهنما :

دکتر محمد کاظم نظیری

استاد مشاور :

دکتر سعید عیسی زاده

نگارش:

علی رضا عالی خانی

۱۳۹۱ اسفند ۱۲



دانشگاه بوعلی سینا  
مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی

عنوان :

بررسی آثار کسری بودجه بر پس انداز ملی ایران

نام نویسنده: علی رضا عالی خانی

نام استاد/اساتید راهنما : دکتر محمدکاظم نظیری

نام استاد/اساتید مشاور : دکتر سعید عیسی زاده

دانشکده: اقتصاد و علوم اجتماعی

گروه آموزشی : اقتصاد

رشته تحصیلی : علوم اقتصادی

گرایش تحصیلی : علوم اقتصادی

مقطع تحصیلی : کارشناسی ارشد

تاریخ تصویب پروپوزال : ۱۳۹۱/۰۴/۲۵

تاریخ دفاع : ۱۳۹۱/۱۲/۱۲

تعداد صفحات : ۷۷

چکیده:

در نظریه‌های اقتصادی کارکردهای ارشادی، تثبیتی و تخصیصی دولت برای تأثیر بر متغیرهای اقتصادی هدف و رساندن آن‌ها به سطوح مطلوب، اغلب با اعمال تغییراتی در بودجه تحقق می‌یابد. این واقعیت‌ها، مطالعه نقش غیرقابل اجتناب و غیرقابل انکار دولت در اقتصاد، به ویژه از طریق مهم‌ترین اثر آن یعنی «بودجه» و تأثیرات آن بر سایر متغیرهای مهم اقتصادی را ضروری می‌کند. پس انداز ملی در نظریه‌ها و تئوری‌های اقتصادی متغیری مؤثر و کلیدی برای دستیابی به متغیرهای اقتصادی هدف به ویژه رشد و اشتغال می‌باشد. این واقعیت پذیرفته شده است که کنار گذاشتن بخشی از تولید به معنی به وجود آمدن پس انداز و تبدیل آن به سرمایه‌های تولیدی برای حفظ سطح رفاه موجود و دستیابی به سطح رفاه بالاتر امری کاملاً ضروری است. بررسی پیرامون تأثیر کسر بودجه بر پس انداز ملی حاکی از برقراری سه دیدگاه نظری در این زمینه می‌باشد. دیدگاه اول که فرضیه برابری ریکاردین نامیده می‌شود عقیده دارد کسری بودجه به طور کامل از طریق افزایش پس انداز خصوصی جایگزین می‌شود و لذا تأثیری بر روی پس انداز ملی و تولید ناخالص ملی و درآمد ملی و نرخ‌های بهره و نرخ ارز ندارد. دیدگاه دوم حالت اقتصاد کوچک باز است که بیان می‌کند کسری بودجه به طور کامل از طریق ورود سرمایه خارج از کشور پوشش داده می‌شود و پس انداز ملی و تولید ناخالص ملی کاهش می‌یابد ولی تولید ناخالص داخلی تغییری نمی‌کند. دیدگاه سوم که دیدگاه سنتی (استاندارد یاکینزی) نامیده می‌شود بیان می‌دارد کسری بودجه موجب کاهش پس انداز ملی و تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی می‌شود. در این پژوهش با استفاده از داده‌های سالانه ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ و داده‌های فصلی ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۵ مربوط به متغیرهای پس انداز ملی، کسری بودجه، رشد نقدینگی و متغیر مجازی جنگ، به بررسی تأثیر کسر بودجه بر روی پس انداز ملی پرداخته شده است. بدین منظور از روش‌های خود رگرسیون برداری (Var) و خود رگرسیون برداری ساختاری (Svar) استفاده شده است. نتایج تخمین نشان می‌دهد که متغیرهای رشد نقدینگی و کسری بودجه و همچنین جنگ، بر روی پس انداز ملی بی اثر می‌باشند. تنها متغیر تأثیرگذار، وقفه اول متغیر پس انداز ملی می‌باشد که به ترتیب برای داده‌های سالانه و فصلی معادل 0.550269 و 1.329484 می‌باشند. همچنین با استفاده از روش گرنجر به بررسی رابطه علی میان پس انداز ملی و کسر بودجه پرداخته می‌شود که نتیجه به دست آمده از آن بیان گر آن است که رابطه علی یک سویه یا دوسویه میان دو متغیر مزبور وجود ندارد. با توجه به نتایج این مطالعه می‌توان بیان کرد که در اقتصاد ایران کسر بودجه فاقد اثر منفی و معناداری بر روی پس انداز ملی بوده بلکه نتایج به دست آمده از این تحقیق حاکی از برقراری دیدگاه ریکاردین در مورد متغیرهای مزبور می‌باشد.

واژگان کلیدی : کسری بودجه، پس انداز ملی، رشد نقدینگی، روش خودرگرسیون برداری

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱-۱	مقدمه.....	۱
۲-۱-۱	بیان مسأله.....	۲
۳-۱-۱	ضرورت و اهمیت موضوع.....	۴
۴-۱-۱	تعاریف مفاهیم و تعریف عملیاتی متغیرها.....	۵
۱-۴-۱-۱	سیاست مالی.....	۵
۲-۴-۱-۱	کسری بودجه.....	۸
۳-۴-۱-۱	پس انداز.....	۱۱

### فصل دوم: ادبیات و چارچوب نظری تحقیق

۱-۲-۱	مقدمه.....	۱۳
۲-۲-۱	نظریات مربوط به پس انداز.....	۱۳
۳-۲-۱	نظریات مربوط به کسربودجه.....	۲۰
۱-۳-۲-۱	نظریات کینزی.....	۲۰
۲-۳-۲-۱	تئوری مالیه بهینه.....	۲۱
۳-۳-۲-۱	تئوری قرض تصادفی.....	۲۲
۴-۳-۲-۱	تئوری انتخاب عمومی.....	۲۲
۵-۳-۲-۱	تئوری گروه ذی نفع.....	۲۳
۶-۳-۲-۱	سیکل های بودجه سیاسی.....	۲۳
۷-۳-۲-۱	طرز عمل بودجه ای.....	۲۴
۸-۳-۲-۱	فشار قیود اقتصادی.....	۲۴
۴-۲-۱	مبانی نظری مربوط به تأثیر کسری بودجه بر پس انداز.....	۲۵
۵-۲-۱	پیشینه تحقیق.....	۳۶
۱-۵-۲-۱	مطالعات داخلی.....	۳۶
۲-۵-۲-۱	مطالعات خارجی.....	۴۲
۶-۲-۱	بیان فرضیه.....	۴۷

### فصل سوم: روش تحقیق

۴۳	.....مقدمه	۱-۳-
۴۳	.....روش تخمین	۲-۳-
۴۷	.....داده ها	۳-۳-

### فصل چهارم: یافته‌های تحقیق

۵۳	.....مقدمه	۱-۴-
۵۳	.....آزمون ریشه واحد دیکی فولر	۲-۴-
۵۴	.....آزمون فیلیپس پرون	۳-۴-
۵۶	.....تعیین وقفه بهینه در الگوی VAR	۴-۴-
۵۶	.....تخمین داده‌های سالانه	۵-۴-
۵۹	.....تخمین داده‌های فصلی	۶-۴-
۶۰	.....آزمون علیت گرنجر	۷-۴-

### فصل پنجم: نتیجه گیری

۶۳	.....مقدمه	۱-۵-
۶۴	.....نتایج	۲-۵-

## فهرست جداول

- جدول ۱ آمار کسری بودجه در ایران..... ۴۸
- جدول ۲ آمار پس‌انداز ملی در ایران..... ۴۹
- جدول ۳ نرخ رشد نقدینگی در ایران..... ۴۹
- جدول ۴ نتایج آزمون ریشه واحد برای متغیرهای مدل بر اساس آماره دیکی فولر..... ۵۴
- جدول ۵ نتایج آزمون ریشه واحد برای متغیرهای مدل بر اساس آماره فیلیپس پرون..... ۵۵
- جدول ۶ مقایسه دوربین واتسون و  $R$ ..... ۵۵
- جدول ۷ نتایج تخمین خودرگرسیون برداری ساختاری داده‌های سالانه..... ۵۶
- جدول ۸ نتایج تخمین خودرگرسیون برداری داده‌های فصلی..... ۵۹
- جدول ۹ آزمون علیت گرنجری برای داده‌های سالانه..... ۶۲
- جدول ۱۰ آزمون علیت گرنجری برای داده‌های فصلی..... ۶۲



## فهرست نمودار

نمودار ۱ تاثیر کسر بودجه بر پس انداز ..... ۳۴

نمودار ۲ روند متغیرهای اصلی تحقیق ..... ۵۲

## پیوستها

پیوست ۱ نتایج تخمین داده‌های سالانه ..... ۷۳

پیوست ۲ نتایج تخمین داده‌های فصلی ..... ۷۵

# فصل اول کلیات



## ۱-۱- مقدمه

نقش غیرقابل انکار دولت‌ها در تخصیص مجدد منابع، تثبیت نوسانات اقتصادی، تولید کالاهای عمومی، توزیع مجدد درآمد و ثروت در جامعه بر کسی پوشیده نیست. می‌توان عنوان کرد که حضور دولت‌ها در این عرصه‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. در کشورهای در حال توسعه مجموعه دلایل فوق در کنار نرخ پایین پس‌انداز ملی و تشکیل سرمایه، کمبود منابع و تاسیسات زیربنایی، نرخ بالای بیکاری و ... حضور دولت‌ها را در اقتصاد پرنرنگتر کرده است. بدون شک افزایش نقش دولت در اقتصاد موجب محدود شدن بخش غیردولتی و دسترسی آن‌ها به منابع می‌شود. این امر ضمن تاثیر بر کارایی کل اقتصاد، مشکلاتی نظیر بحران بدهی‌ها، افزایش نقدینگی و تورم، بحران کسری تراز پرداخت‌ها و کسری بودجه را نیز به دنبال دارد.

در ایران، بعد از انقلاب به دلیل ملی شدن بانکها و اغلب صنایع و نیز به دلیل شرایط جنگی حاکم بر اقتصاد کشور در دهه ۶۰، زمینه دخالت دولت در فعالیت‌های مختلف تولیدی و خدماتی به گونه‌ای فراهم شده است که علی‌رغم گذشت بیش از ۲ دهه از پایان جنگ، هم‌چنان درجه دخالت دولت در اقتصاد چشم‌گیر است. افزایش فعالیت‌های دولت علاوه بر اثرات و پیامدهای اقتصادی، دولت را در تامین منابع لازم برای انجام این وظایف با مشکل روبرو کرده است، به طوری که هر ساله کسری بودجه و راهکارهای تامین مالی آن از مباحث مهم اقتصادی می‌باشد. روش‌های تامین مالی کسری بودجه آثار متفاوتی بر سطوح نرخ بهره، سرمایه‌گذاری، تورم و پس‌انداز دارد.

امروزه دولت‌ها جهت تامین رفاه ملت خود نیاز مبرم به انباشت سرمایه دارند. انباشت سرمایه شرط لازم اما نه کافی جهت تداوم رشد اقتصادی در بلندمدت به شمار می‌رود.

لازمه سرمایه‌گذاری در هر اقتصاد وجود پس‌انداز است. پس‌انداز فارغ از این که از ناحیه چه بخش (خانوار، بنگاه، دولت و بخش خارجی اقتصاد) صورت گیرد، به معنای مازاد درآمد نسبت به هزینه است. هر کشوری برای رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی نیاز به سرمایه‌گذاری دارد و شرط لازم برای سرمایه‌گذاری، پس‌انداز است. پس‌انداز ملی حاصل جمع پس‌انداز بخش خصوصی و بخش دولتی می‌باشد. مساله پس‌انداز را می‌توان هم در بعد اقتصاد کلان و با مراجعه به حساب‌های ملی و هم در بعد اقتصاد خرد و با مراجعه به آثار بودجه خانوار بررسی نمود.

#### ۱-۲- بیان مساله

اقتصاددانان<sup>۱</sup> به طور کلی دارای سه دیدگاه اساسی در مورد چگونگی تأثیر سیاست مالی دولت بر روی پس‌انداز ملی می‌باشند.

دیدگاه اول که فرضیه برابری ریکاردین نامیده می‌شود عقیده دارد کسری بودجه به طور کامل از طریق افزایش پس‌انداز خصوصی جایگزین می‌شود و لذا تاثیری بر روی پس‌انداز ملی و تولید ناخالص ملی و درآمد ملی و نرخ‌های بهره و نرخ ارز ندارد.

دیدگاه دوم حالت اقتصاد کوچک باز است که بیان می‌کند کسری بودجه به طور کامل از طریق ورود سرمایه خارج از کشور پوشش داده می‌شود و پس‌انداز ملی و تولید ناخالص ملی کاهش می‌یابد ولی تولید ناخالص داخلی تغییری نمی‌کند. دیدگاه سوم که دیدگاه سنتی (استاندارد یا کینزی) نامیده می‌شود بیان می‌دارد کسری بودجه موجب کاهش پس‌انداز ملی و تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی می‌شود.

<sup>۱</sup> Gale G. William and Orszag, R. peter. 2004. "Budget Deficits, National Saving, And Interest Rates

در دیدگاه سنتی قسمتی از کسر بودجه در ورود سرمایه و قسمتی دیگر در کاهش سرمایه‌گذاری داخلی به صورت اثر ازدحام بیرونی یا اثر جایگزینی منعکس می‌گردد. هم‌چنین در این دیدگاه کاهش سرمایه‌گذاری داخلی با افزایش در نرخ‌های بهره مرتبط است که این به نوبه خود سبب شکل‌گیری ارتباط میان کسر بودجه و نرخ‌های بهره می‌گردد.

برنامه‌ریزی با رویکرد توسعه که ابتدا با دو برنامه هفت ساله و سپس برنامه‌های پنج ساله در اقتصاد ایران شکل گرفته است نقطه عطفی در تجزیه و تحلیل مباحث مهم اقتصاد ایران و سیاست مالی دولت محسوب می‌گردد. هر برنامه پنج ساله سند بودجه سالیانه است و هر سند بودجه شامل منابع و مصارف و یا درآمدها و هزینه‌ها (جاری و عمرانی) می‌گردد.

از مهم‌ترین مسائل مربوط به بودجه و بودجه‌ریزی در اقتصاد ایران این است که همواره مصارف بودجه‌ای بر منابع آن فزونی دارد و لذا کسر بودجه به یک پدیده دائمی و مرسوم در اقتصاد ایران تبدیل شده است. هم‌چنین بعد از آن که برای یک دوره کسر بودجه اتفاق می‌افتد به دلیل این که برنامه‌های بودجه ریشه گرفته و دائمی می‌شود به سختی می‌توان از انبساط‌های بعدی مخارج دولت جلوگیری کرد و یا این که آن‌ها را کارآمد ساخت. از این منظر می‌توان کسر بودجه یک دوره را به صورت تابعی از کسر بودجه‌های دوره‌های قبل در نظر گرفت.

کسر بودجه‌های دولت در اقتصاد ایران اغلب دارای روندی نزولی بوده و سرانه پس‌انداز نیز اکثراً کاهش یافته است به طوری که پس‌انداز سهم اندکی از تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داده است. خروج سرمایه در اقتصاد ایران همواره دارای رقم قابل توجهی می‌باشد و ورود سرمایه عمدتاً به صورت استقراض مستقیم (نظیر دهه ۱۳۷۰ و دوره

سازندگی) و یا تحت قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت می‌باشد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سهم اندکی از ورود سرمایه را به خود اختصاص می‌دهد.

چنانچه روند حجم پول را در اقتصاد ایران مورد بررسی قرار دهیم ملاحظه می‌گردد که همواره حجم پول دارای رشد قابل توجهی است. کسر بودجه‌های دولت به یکی از دلایل عمده افزایش حجم پول تبدیل شده است که افزایش حجم پول نیز به نوبه خود سبب تورم‌های بالا و تاثیرپذیری پس‌انداز و مصرف و سرمایه‌گذاری ملی می‌گردد.

### ۱-۳- ضرورت و اهمیت موضوع

در بعضی از کشورها همچون ایران، دولت نقش مهمی در اداره فعالیت‌های کشور دارد و انجام بسیاری از فعالیت‌های عمرانی و خدمات درمانی بر عهده دولت است. دولت برای انجام وظایف خود به بودجه نیاز دارد که ممکن است به علت تحقق نیافتن درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه و یا فزونی یافتن هزینه‌ها با کسری بودجه مواجه گردد. اقتصاد ایران با برخورداری از استعدادها و مزیت‌های طبیعی خود و منابع سرشار نفتی همچنین بالا بودن حجم اقتصادی دولت دارای ویژگی‌های مخصوص به خود می‌باشد. طی دهه‌های اخیر پدیده کسر بودجه دولت در اقتصاد ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث اقتصادی مطرح است. با توجه به این که پس‌انداز ملی منابع لازم جهت سرمایه‌گذاری ملی را فراهم می‌کند و سرمایه‌گذاری ملی جهت استفاده و بهره‌برداری از امکانات و استعدادها بالقوه اقتصاد ایران اجتناب‌ناپذیر است لذا موضوع آثار کسری بودجه بر روی پس‌انداز ملی در اقتصاد ایران می‌بایست به طور جدی در تحقیقات مورد توجه قرار بگیرد.



#### ۴-۱- تعاریف مفاهیم و تعریف عملیاتی متغیرها

##### ۱-۴-۱- سیاست مالی

سیاست مالی عبارت است از استفاده از مخارج و فعالیت‌های درآمدزای دولت برای رسیدن به اهداف خاص. مثلاً برای تحقق اهدافی همچون اشتغال کامل و تثبیت قیمت‌ها دولت می‌تواند تصمیم‌های مربوط میزان و منبع درآمد خود را تغییر دهد. هنگامی که دولت بیش از حجم مخارجش مالیات می‌گیرد، باعث تقلیل جریان درآمدی و در نتیجه باعث کاهش تقاضای کل می‌شود؛ و زمانی که بیش از درآمدهای مالیاتی خود خرج می‌کند درآمد ملی و در اثر آن تقاضای کل را ازدیاد می‌بخشد.

کسر بودجه یا مازاد بودجه از ابزارهای سیاست مالی دولت برای تنظیم ثبات و رشد اقتصادی به شمار می‌روند. برخی ابزارهای سیاست مالی خودکار و بدون دخالت مسئولان عمل می‌کنند. مثلاً مالیات تصاعدی یک تنظیم‌کننده خودکار است که، به هنگام کاهش درآمدهای شخصی و کسب کار، درآمدهای دولت را تقلیل می‌دهد و از این راه در جهت جبران سیر نزولی مصارف مختلف، که لازمه دوران کاهش درآمدهاست، عمل می‌کند. از سوی دیگر در دوره گسترش و انبساط اقتصادی، مالیات‌ها می‌توانند سریعاً افزایش یابند و در نتیجه از فشارهای تورمی بکاهند.

دولت می‌تواند با سیاست‌های مالی خود بر خلاف بانک مرکزی بر روی هر دو بخش عرضه و تقاضای اعتبار تاثیر بگذارد. در صورتی که دولت کلیه درآمدهای خود را ناشی از اخذ مالیات و دیگر منابع درآمدی است هزینه ننماید، در واقع با مازاد بودجه روبرو می‌شود، که این به معنای افزایش پس‌انداز دولت و به تبع آن افزایش میزان عرضه اعتبارات خواهد بود و در نتیجه کاهش سطح عمومی نرخ بهره را به دنبال خواهد داشت.

در مقابل اگر دولت در نتیجه گسترش هزینه‌های خود با کسر بودجه روبرو گردد، این امر باعث افزایش میزان تقاضای اعتبارات در بازار و به تبع آن افزایش نرخ بهره خواهد شد. سیاست‌های مالی تابع وضعیت نقدینگی، وضعیت تسهیلات بانک‌ها و اعتبارات بانکی است به طوری که در مواقعی سیاست بانک‌ها انبساطی است و تسهیلات خوبی داده می‌شود و در مقطعی دیگر سیاست انقباضی است و تسهیلات به سختی داده می‌شود.

سیاست مالی یکی از نقاط تلاقی سیاست و اقتصاد است، زیرا سیاست نقش بسیار مهمی در تعیین هدف یا هدف‌های سیاست مالی دارد. زمانی که توجه دولت معطوف به مسایل اجتماعی و پیامدهای سیاسی ناشی از آن باشد راهی را انتخاب می‌کند که به حل یا تخفیف آن‌ها منتهی گردد. به عنوان مثال اغلب دولت‌ها سیاست کاهش تورم و افزایش کمک‌های بلاعوض و رفاه عمومی را درپیش می‌گیرند. در صورتی که مهم‌ترین هدف دولت کاهش وابستگی اقتصادی و حفظ استقلال باشد، تلاش می‌کند در مخارج ارزی خود به نحوی صرفه جویی کند که حتی المقدور گرفتار کسری تراز پرداخت‌ها و بدهی به دولت‌های خارج نگردد و در صورتی که بیکاری مشکل عمده باشد هدف اصلی را ایجاد اشتغال و افزایش تولید قرار داده و سیاست مالی مناسب برای دستیابی به اهداف مذکور را انتخاب می‌کند و در صورتی که مشکل عمده تورم باشد سیاست مالی شکل ضد تورمی به خود می‌گیرد.

مهم‌ترین تقسیمات سیاست مالی طبقه‌بندی آن به سیاست مالی انبساطی و سیاست مالی انقباضی است:

الف) سیاست مالی انبساطی در شرایط عدم اشتغال کامل و بویژه در شرایط کساد بازار و اقتصاد انتخاب می‌شود و عبارت از افزایش مخارج دولت و کاهش مالیاتها به منظور بسط فعالیت اقتصادی و رفع شکاف انقباضی است.

ب) سیاست مالی انقباضی در شرایط پراشتغالی و تورم ناشی از بهره‌برداری اضافی از منابع تولید انتخاب می‌شود و سیاست مناسبی جهت کاهش فشار تقاضا و تورم و یا رفع شکاف تورمی از طریق افزایش مالیات‌ها و کاهش مخارج دولتی به شمار می‌رود.

سیاست مالی جزئی از فرآیند تثبیت اقتصادی (Economic stabilization) به شمار می‌رود. تثبیت اقتصادی زمانی از طریق خودکار و به کمک نهادهای مالی و مالیاتی موجود در نظام اقتصادی عمل می‌کند که در این صورت اینگونه نهادها را تثبیت کننده‌های خودکار (Automatic stabilizers) می‌نامند. تثبیت اقتصادی زمانی دیگر از طریق لوایح قانونی و مصوبات هیئت وزیران انجام می‌شود، که بطور عمده در لوایح بودجه - که برای تصویب به مجلس تقدیم می‌شود- منعکس می‌باشد. ابزاری نظیر تغییر در مالیات‌ها و تغییر در هزینه‌های دولت و ساختار آن که در این نوع تثبیت مورد استفاده قرار می‌گیرند جزء تثبیت کننده‌های اختیاری<sup>۲</sup> به شمار می‌روند.

شایان ذکر است که منظور از تثبیت اقتصادی کاهش نوسانات و هدایت فعالیت اقتصادی به سمت اشتغال کامل است و لزوماً منافاتی با رشد اقتصادی ندارد در کشورهای روبه توسعه، هدف اشتغال کامل اغلب دست نیافتنی است و سیاست مالی براساس نیل به اهداف رشد اقتصادی که در برنامه‌های توسعه اقتصادی تعیین می‌شوند تنظیم گردیده و در لایحه‌های بودجه سالیانه مورد تجدید نظر و تصحیح لازم قرار می‌گیرند.

<sup>۲</sup> Discretionary stabilizers

## ۱-۴-۲- کسری بودجه

هنگامی که مخارج دولت از درآمدهای آن بیشتر باشد، گفته می‌شود دولت با کسری بودجه مواجه شده است. میزان این کسری از مقایسه ارقام مربوط به درآمدها و مخارج به سادگی قابل محاسبه است. در اقتصاد بخش عمومی، کسری بودجه دولت ممکن است دلایل مختلفی داشته باشد. گاهی دولت برای انجام وظایف اقتصادی خود به صورت فعال در اقتصاد عمل می‌کند و برای رهایی اقتصاد از رکود، با افزایش مخارج سرمایه‌گذاری خود متوسل به سیاست کسری بودجه می‌شود تا اقتصاد را به وضعیت تعادل سوق دهد. گاهی ممکن است بدون اینکه دولت نقش فعالی در اقتصاد داشته باشد یا اقدام به اتخاذ یک سیاست مالی فعال کند، در بودجه دولت کسری به وجود آید. این نوع کسری که بیانگر نقش ضعیف و انفعالی دولت در اقتصاد است با کسری ناشی از اتخاذ سیاست مالی فعال از طرف دولت متفاوت است و آثار اقتصادی متفاوتی نیز دارد. بنابراین وجود کسری بودجه لزوماً بیانگر اتخاذ یک سیاست مالی فعال از طرف دولت نمی‌باشد.

کسری بودجه از نظر ماهیت به صورت‌های مختلف ظاهر می‌شود. کسری بودجه اداری، کسری بودجه ناشی از اوضاع و احوال اقتصادی و کسری بودجه مربوط به ساختار اقتصادی.

## ۱. کسری بودجه اداری

کسری بودجه اداری، کسری بودجه‌ای است که در نتیجه فقدان سازمان صحیح اداری به وجود می‌آید؛ در این موارد در واقع به علت سازمان ناقص و در نتیجه عدم هماهنگی در کار، مخارج اداری اغلب حیف و میل شده، بازده کار کارمندان دولت به شدت پایین می‌آید؛ به خصوص اگر در این مواقع بدون توجه به اصول مدیریت و سازمان، از نظر بهره‌برداری از کادر موجود، دولت برای اجرای وظایف عمومی متوسل به استخدام کارمند جدید شود، به تدریج مخارج اداری نامتناسب با سایر مخارج افزایش می‌یابد و در نتیجه در بودجه‌ی عادی